

منصفین



در محضر...

حضرت امیر المومنین علی (ع):

بالا ترین عبادت تفکر و تعقل است.

فهرست غرر الحکم (ص ۲۱۴)

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:
بهنام خان محمدی
صفحه آرا:
بهنام خان محمدی
هیئت تحریریه:

محمدصادق شهبازی، مسعود براتی، اردلان الیاسین فرید، ابوالفضل خسروچردی، حسین ضیایی

همکاران این شماره:

علی ملا اسماعیلی، علی اسدی، جواد آذری، علی ناصری و خانم‌ها بوربوری، سلطانی، بابا و سراج

با تشکر از
اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی
edalatkhahi.ir

مطالب نشریه بازتاب آرای نویسندگان آن است
متنظر نظرات، انتقادات و پیشنهادات شما هستیم
رایانامه: mostazafinmagshahrood@gmail.com
شماره پیامک: ۰۹۱۰۴۸۷۱۳۸۷
نشریه مستضعفین آماده دریافت مطالب و موضوعات
پیشنهادی مخاطبان عزیز می‌باشد.

نشریه مستقل دانشجویی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... دانشگاه شاهرود / سال هفتم / شماره سی و نهم / هفته دوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ / بها: ۲۰۰ تومان + لبخند و تفکر



فساد اقتصادی در کشور ما ریشه‌های متعددی دارد که شاید اصلی‌ترین آن‌ها وابستگی شدید به اقتصاد نفتی و رانتی و همچنین ناتوانی دولت‌ها در مبارزه با این پدیده شوم باشد.

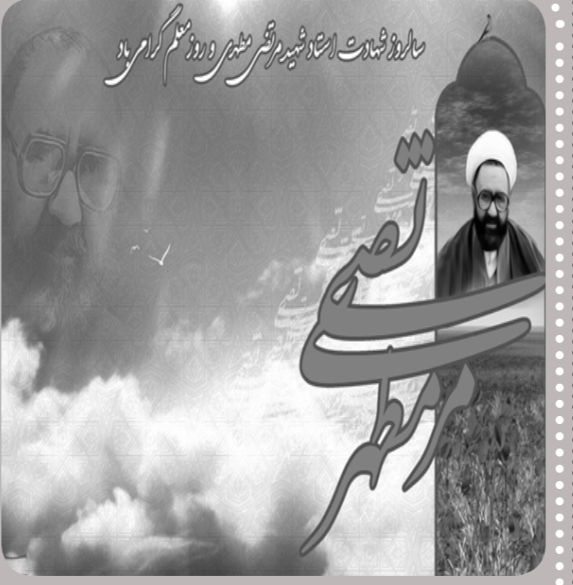
به نظر می‌رسد در این زمینه مشکل تئوری و حتی عملی نداریم. در فرمان معروف هشت ماده‌ای رهبر انقلاب به مسئولان سه قوه در امر مبارزه با فساد، فرماتی که در دهم اردیبهشت سال ۱۳۸۰ صادر شد، باید‌ها و نباید‌های مبارزه با فساد به‌خوبی تبیین شده است. در واقع این پیام دستورالعمل مدیریت کلان نظام برای مبارزه با فساد است.

با نگاهی به لاقط آنچه در این ۱۴ سال بر اقتصاد ایران رفته است، ناظر منصف متوجه می‌شود که روش مبارزه با فساد در کشور ما اشکال دارد. گویا باید مبارزه‌ای با این نحو «مبارزه با فساد» را در دستور کار قرار داد. متأسفانه دولت‌ها چه اصلاح‌طلب، چه اصول‌گرا و چه اعتدالیون، اهتمام و عزم جدی برای مبارزه با فساد نداشته‌اند و عمدتاً روش‌هایشان کارآمد نبوده است. ماجرا آن‌قدر بغرنج شده است که دیگر باید با دولتی‌ها و دیگر دست‌اندرکاران امر مبارزه با فساد از «چه نباید کردها» سخن گفت. جالب اینجاست که رهبر انقلاب ۱۴ سال پیش ماده‌ی هشتم آن دستورالعمل معروف را به مهم‌ترین «چه نباید کرد» این موضوع اختصاص داده‌اند: «با این امر مهم و حیاتی نباید به‌گونه‌ای شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به‌جای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید کنید که به‌جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعف‌ها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به‌دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات‌گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.»

مهم‌ترین مشکل روشی در این موضوع، برخورد سیاسی و جناحی دولت‌ها با «مبارزه با فساد» است که خود فساد برانگیز است. این جناح به‌دنبال پیدا و قطور کردن پرونده‌های فساد آن جناح است و آن جناح هم کار دیگری به‌جز این ندارد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیرشان با کارگران با انتقاد از حرف‌زدن‌های مکرر و بی‌عملی در مقابله با فساد تأکید کردند: با «دزد، دزد گفتن» دزد از سرقت دست بر نمی‌دارد، باید جلوی او را گرفت. ایشان افزودند: مسئولان کشور، روزنامه نیستند که مدام راجع به فساد حرف بزنند، آن‌ها باید وارد عمل شوند و جلوی فساد را به‌معنای واقعی کلمه بگیرند.

حق گرفتنی است یا دادنی؟



فرنگی‌ها می‌گویند: حق گرفتنی است. این خودش مسئله‌ای است که آیا حق گرفتنی است یا دادنی؟ یعنی آیا حق، چیزی است که انسان‌ها به میل خودشان آن را به ذی حق‌ها می‌دهند یا حق چیزی است که ذی حق باید بگیرد؟ بعضی مکتب‌ها بر این اساس است که حق دادنی است؛ یعنی آن حقی را که ظالم گرفته است باید پس بدهد، اگر نداد دیگر نداده است؛ چون حق دادنی است نه گرفتنی. مسیحیت بر این اساس درست شده است که به ظالم می‌گوییم حق را به تو بدهد، تو کاری با او نداشته باش! ای کسی که حقت پامال شده است! توصیه می‌کنیم، خواهش می‌کنیم تا حق را بدهند، مبادا یک وقت خودت برای گرفتن حق قیام کنی که این برخلاف شان انسانیت و اخلاق است. از نظر این‌ها حق، دادنی است.

یک عده می‌گویند: حق فقط گرفتنی است؛ مگر ممکن است انسانی که حقی را خورده است بیاید و به یک شکلی آن حق را بدهد؟ یعنی این‌ها منکر عاطفه، انسانیت و وجدان انسانی هستند.

از نظر اسلام، حق هم گرفتنی است و هم دادنی؛ یعنی از دو جبهه باید برای استیفای حق مبارزه کرد. اسلام آن کسی را که حق را ربوده است با تعلیم و تربیت خودش آماده پس دادن می‌کند - و کرده است - ولی به این قناعت نمی‌کند؛ در عین حال به آن کس که حقش ربوده شده است، می‌گوید: حق گرفتنی است، تو هم باید برای حق خودت قیام کنی و آن را بگیری.

منبع: کتاب انسان کامل (چاپ سی و هشتم)، ص ۲۳۶ و ۲۳۷

از لیندا تا یمن!

قرار نگرفته باشیم ...
جمله اجزا، در تحرک، درسکون
ذکر و تسیبحات اجزای نهان
غلفی افکند اندر آسمان
جمله اجزای زمین و آسمان
با تو می‌گویند روزان شبان
ما سمعییم و بصیرییم و هشیم
با شما نامحرمان ما خاموشیم
پس در مقام تجرید صفات نیازی نیست میلیونها صفت از موجودیت یک پدیده خارج شود تا به وجود و ماهیت آن برسیم،
مثالی ذکر میکنیم و ختم کلام :

اگر به شما بگویند فلانی شخصی است بسیار عالی اما لباس کثیفی می‌پوشد، مسواک هم نمی‌زند و همیشه بوی بد میدهد، با خود می‌گویند شاید لاقط علم یا تخصص خاصی داشته باشد، شاید بتوان از اینها گذشت! حال یک بار دیگر بگویند فلانی شخصی است خوب و عالی اما دوباره بهداشت فردی را رعایت نمی‌کند، مسواک نمی‌زند، اخلاق تند می‌دارد، زیاد هم اهل مطالعه نیست، زیاد هم غیبت می‌کند! این بار نمیتوان صفات خوب از این فرد بیرون کشید! اصلاً خوبی او دیگر معنا ندارد، این آدم از بنیان اعتقادی مشکل دارد! دیگر فلان عمل خوب اصلاً مطرح نیست!

خوش بین نبودن به این فرد هم دال بر افترا یا سیاه نمایی نیست! وقتی میبینم در کلان شهرها سگها را با تیر، ضربه و اسید به هلاکت میرسانند، با گربه‌ای چنین کاری میشود، پرنده‌ها از صد متری ما فرار میکنند و ... به این



جمله مهاتما گاندی فکر میکنم که: «عظمت و فضائل ملت هر کشوری را از طرز رفتار آنان با حیوانات برآورد کنید!» کسی که برای اقتناع انقادهای روانی و عقده‌های روحی از گربه‌ای دریغ ندارد، میخواهد به فکر کشورش و مردمش باشد؟ میخواهد به فکر دختران کوبانی یا کودکان یمن باشد؟ میخواهد به فکر مفاهیم انسانی که در مغرب زمین زیر چکمه‌های شرکت‌های چند ملیتی در حال له شدن است بیافتد؟ یا شاید احیای تمدن اسلامی مسأله اول او شود؟

پس بنده حقیر فکر میکنم دانشجو قبل از اینکه سیاسی باشد باید اخلاقی باشد، قبل از اینکه در سایت‌ها دنبال اخبار ثانیه به ثانیه مذاکرات بیفتد، برود و در گوشه‌ای آرام کتابهای اخلاق بخواند و احکام یاد بگیرد! برود در کنار واحدهای درسی، اندکی دروس انسان شناسی بخواند که ۱۰۰ واحدی است و پاس کردن آن بسی بسیار دشوار! آنگاه اگر بسیجی شد، مدافع حرم شد، عاشق رهبری شد، سیاسی شد، مسئول شد یا هر چیز دیگر، درود خدا بر او باد و هیچ گاه با پشتوانه‌ی اخلاق در سطح بین الملل و رسانه، آبروی مسلمین را نمیرد!

پ.ن: اردلان الیاسین فرید

این لیندا خانوم که در عکس می‌بینید گربه‌ی کتابخونه و دانشگاه ماست، به شدت آرام و دوست داشتنی. چند روز پیش که برای ناز کردنش آمده بودیم، ناگاه دیدیم پای راستش به شدت آسیب دیده و رو زمین میکشد؛ از مسئول بوفه سؤال کردیم، ایشان هم گفتند چند روز پیش عده‌ای دانشجو در گذر از این گربه، احساساتشان فوران کرده و با نثار لگدی به گربه و پرت کردنش لیندا را به این روز انداختند.

ماجرا اینجا تمام نمیشود و وقتی ما به همراه یکی از دوستان با لیندا برخورد کردیم دنبال کارتن مقوایی گشتیم تا او را به دامپزشکی ببریم، در این چند دقیقه تعداد زیادی از کنارمان رد شدند، زحمت کشیدند گردنی تکان دادند، خندیدند و رفتند. گویا پای شل، سمبول شادی و گربه‌ی ناقص مصداقی از زیبایی برای این عزیزان بود، گروهی دیگر هم بودند اولین جمله‌ای که به ذهن سترگشان خطور می‌کرد این بود: «بزن راحتش کن!» که با حلم و بردباری از اینها هم گذشتیم. علی‌ای حال پای گربه را دوبار گچ گرفتیم، گچ روی پا نماند و الان هم همانطور لنگ به حیات خودش ادامه میدهد!

اینجا بحث بر سر مفاهیم است و ما میخواهیم یک پدیده را تجرید کنیم و از دل آن خیلی چیزها بیرون بکشیم.

دوستان از رسول خدا می‌پرسند: هدف شما از بعثت چیست؟
شعارت چیست که اینگونه

سعادت را برای بشرخواستاری؟ میفرمایند: «إنما بعثت لأتم مکارم الأخلاق!» بله اخلاق!

پس اول: ما مسلمان هستیم دوم: پیامبر ما بر حسب کتابها و روایات حضرت محمد (ص) است سوم: حضرت محمد (ص) هدف از بعثت خویش را اینگونه بیان کرده‌اند!

حال اخلاق چیست که بالغ بر صدها جلدکتاب در مغرب زمین و مشرق زمین نوشته شده، مکاتب شکل گرفته و هرکسی بر قاموس بشریت محروم همه چیز دار نسخه پیچیده! از اخلاق کانتی و سارتر و راسل گرفته تا نیچه و ...

حال نمیخواهیم این چند سطر را به هزاران سطر پیرامون اخلاق اسلامی بر پایه فلسفه اسلامی و نه فقط علم کلام بررسی کنیم و از صدر المتاهلین تا مولای رومی و میرزا جوادها و همدانی‌ها و ... بگوییم! تا همین مرحله از صفات مقایسه می‌کنیم که اگر رفتار پیشوایان خود با حیوانات را مقایسه کردیم و کارها تماماً ضد آن افعال بود نتیجه می‌شود یا آن بزرگواران اشتباه می‌کردند یا ما بر راه آنان نیستیم و آموزه‌های دینی را یاد نگرفته‌ایم! اگر ما در مسأله‌ای مثل محبت به اجزای جهان در راه آنان نباشیم شاید در خیلی از مسائل دیگر هم بر راه نباشیم و شاید اصلاً هنوز در راه

توافق نامه را بنویس؛ امضا کردنش با من

هرگونه تشابه اسمی در این شعر با اوضاع کنونی هر جایی در جهان کاملاً اتفاقی است

توافقنامه را بنویس، امضا کردنش با من
شروطت را هویدا کن، عمل آوردنش با من
«به من گو حاجت خود راه اجابت می‌کنم آنی
طلب کن آنچه می‌خواهی، مهیا کردنش با من»

اراک و ساترفیوژ و نطنز و فردو قربانت!
بیا یک لحظه با ما باش، قراضه کردنش با من!

اگر عمری جهانت را به بی‌نظمی کشاندم من
«مگیر از من که بد کردم»، به سامان کردنش با من!

به نرمش قهرمانم من، به سازش پهلوانم من
شگرد و فن نیازی نیست، زمین افتادنش با من!

به تحقیری نوازش کن، به تحریمی گشایش کن
همه ایران تو کاوش کن، توافق کردنش با من!

چو زین اسرار پنهانی، نخواهم کوس رسوایی
توافقنامه را بنویس، معما کردنش با من

کاریکاتور

معامله آمریکایی‌ها و ملک سلمان در انتصابات جدید دربار آل سعود



پروند و پژه می هسته‌ای-شماره سوم

تحریم

تحریم‌های

نفتی علیه

ایران

را بهتر بشناسیم

بخش اصلی تحریم در بخش تولید نفت، به قبل از مباحث هسته‌ای برمی‌گردد. به عبارت دیگر نمی‌توان آن را به عنوان تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای تلقی کرد. اما توسعه این تحریم‌ها و گسترده شدن آن به حوزه گازی و سایر حلقه‌های زنجیره صنعت نفت و نیز کاهش سقف سرمایه‌گذاری، مربوط به تحریم‌های اخیر است. این موارد نیز در قانون جامع تحریم ایران و کاهش سرمایه‌گذاری (CISADA) آمده است. این قانون نیز بنا بر دلایل چهارگانه حقوق بشر، حمایت از تروریسم، فعالیت‌های موشکی و در نهایت فعالیت‌های هسته‌ای وضع شده است. برخی از دلایل بیان شده در این قانون عبارت است از:

اتهامات مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای

فعالیت‌های مخالف مقررات هسته‌ای

گزارش‌های سازمان بین‌المللی انرژی اتمی

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل

فعالیت‌های جدید هسته‌ای مربوط به فردو و غنی‌سازی ۲۰درصد

فعالیت بازار سیاه فناوری هسته‌ای در خاورمیانه

اتهامات مربوط به فعالیت‌های نظامی

فعالیت‌های موشکی ایران

فعالیت‌های نظامی نامتعارف ایران

اتهامات مربوط به حمایت از تروریسم

حمایت دولت ایران از تروریسم بین‌الملل

تسلیح گروه‌های تروریستی بین‌المللی

اتهامات مربوط به مسایل حقوق بشری

اسیر گرفتن ۳ شهروند آمریکایی [منظور سه نفر کوهنوردی که به جرم جاسوسی دستگیر شده بودند است]
نقض آزادی مذهبی شهروندان ایران
دولتمردان ایران به نقض حقوق بشر ادامه می‌دهند.
مواردی از قبیل، شکنجه، اعدام و … به خصوص بعد از انتخابات ۱۳۸۸

سایر دلایل

به خطر افتادن امنیت رژیم صهیونیستی

به خطر افتادن امنیت ملی آمریکا

درخواست کشورهای تحت خطر ایران از آمریکا

تحریم‌ها می‌تواند تلاش‌های دیپلماتیک ناقص برای جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تکمیل کند.

در نتیجه هسته اصلی تحریم‌های مرتبط با بخش تولید نفت مرتبط با موضوع هسته‌ای نیست و همچنین گسترش آن نیز تنها به دلیل موضوع هسته‌ای نیست.

اتحادیه اروپا در بهمن ۱۳۹۰ تحریم نفتی ایران را تصویب کرد. این تحریم شامل قطع واردات نفت خام ایران و قطع همکاری و سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران بود. در بیان دلایل این تحریم نیز اینگونه آمده است که نفت مهم‌ترین منبع تامین مالی فعالیت‌های هسته‌ای ایران است و نگرانی زیادی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران وجود دارد. در نتیجه اتحادیه اروپا تصمیم بر تصویب این تحریم‌ها گرفته است.

در نتیجه می‌توان گفت که **تحریم‌های بخش تولید نفت که از سوی اتحادیه اروپا اعمال شده است مرتبط با موضوع هسته‌ای است.**

۱. توجه به معارضه دشمن و خودی و غیرخودی:

هم دولت و هم منتقدین باید توجه کنند، دشمنی هست که در حال برنامه‌ریزی برای ریشه‌کنی همه‌ی آن‌هاست. در شرایط خطر، در صورت فاصله گرفتن مردم و نخبگان متدین و انقلابی کسی برای دفاع از دولت باقی نمی‌ماند.

۲. شفافیت اقدامات مسئولین و عدم در موضع تهمت قرار دادن خود: اگر اقدامات مسئولین شفاف باشد و مردم را محرم بدانند، هم موجب همراهی مردم و نخبگان خواهد شد، هم باعث خواهد شد تا ضعف‌ها به‌وسیله خودی‌ها و منتقدین درون گفتمان انقلاب مشخص شود و دولت بدون ضعف بر کشور حکومت کند.

۳. اجرا اقتصاد مقاومتی و مطالبه آن: اگر مهم‌ترین مسئله مناقشه و خطر اقتصاد است، پس باید این موضع خطر و اختلاف را رفع کرد. اقتصاد مقاومتی باید از کلیات خارج‌شده، مسئولین به حوزه‌های مختلف مربوط به آن با محوریت همان ابلاغیه رهبر انقلاب توجه کنند. علاوه بر آن مردم به‌ویژه مردم متدین و انقلابی و منتقدین برای کمک به دولت به مطالبه اجرای اقتصاد مقاومتی با محوریت مطالبه اصلاح ساختارهای معیوب اقتصاد که فرصت ایجاد فشار برای دشمن را فراهم کرده است در سطح ملی و منطقه‌ای بپردازند. باید به‌جای ماندن در کلیات، مردم، دانشجویان، رسانه‌ها، نخبگان مسائل عینی اقتصاد مقاومتی در حوزه‌های ملی و منطقه‌ای را مطالبه کنند. تجمع تشکل‌های دانشجویی برای اعتراض به واردات و خام‌فروشی در هفته‌های پایانی سال گذشته نمونه خوبی از مطالبه درست است.

۴. عدالت: حضرت زهرا (س) در خطبه فاطمیه می‌فرمایند: «فَجَلَّ … العَدْلُ تَسْبِیْقًا لِلْقُلُوب. خداوند عدالت را وسیله جمع شدن دل‌ها قرار داد» (الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج:۱، ص:۹۹). اختلافات از جایی آغاز می‌شود که عدالت زیر پا گذاشته می‌شود. مردم اگر ببینند در کشور عدالت برقرار است و مسئولین جدی و نه شعاری و سیاسی به مقابله با فقر، فساد، تبعیض و اشرافیت می‌پردازند. در برابر مردم به عدالت رفتار کرده و با مخالفین خودشان خارج از عدالت رفتار نمی‌کنند، تبعیض برقرار نیست، همواره جذب دولت می‌شوند.

۵. عدم توهین متقابل و تمرکز بر انتقاد از اعمال نه انگیزه‌ها: اگر مسئولین به منتقدین خود توهین نکنند و به مصداق روایت امام صادق (ع) أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أهدَى إِلَى عُيُوبِي، دوست‌داشتنی‌ترین برادران برای من کسی است که عیوب مرا به من اهدا کند (الکافی (ط - الإسلامیه)، ج:۲، ص:۶۳۹) عمل کنند و از سوی دیگر منتقدین به‌جای تمرکز بر جستجوی انگیزه‌های مسئولین بر نقد عملکردها متمرکز شوند، چنان‌که رهبری از خطاب کردن تیم مذاکره‌کننده به عناوینی نظیر سازش‌کار بازداشتند، هم زمینه بازگشت برای مسئولین فراهم می‌شود و هم زمینه ریشه‌کن کردن تفکر جستجوی راه‌حل‌ها در خارج.

۶. عدم تقسیم بندی مردم به تقسیماتی نظیر افراطی و معتدل: عدم تبعیض و تفاوت گذاشتن بین مردم باعث همدلی و هم‌زبانی مردم و مسئولین است. تا جامعه‌ای قطبی نشود و شکاف در آن فراهم نشود زمینه نزاع ایجاد

هم‌دلی و هم‌زبانی چگونه محقق می‌شود؟

نمی‌شود.

۷. گفتمان‌سازی و مطالبه اصول انقلاب: وحدت بر محور اصول انقلاب که موردقبول همه است شکل می‌گیرد، نه با تسامح در اصول. گفتمان‌سازی اصول اصلی انقلاب مثل استقلال، عدالت، آزادی و پیشرفت، زمینه وحدت حقیقی و به رسمیت شناخته شدن اختلاف‌سلیقه‌ها را پدید می‌آورد. اگر استقلال و نگاه به درون گفتمان و لوازم آن در حوزه‌های مختلف مثل علم و فناوری، کشاورزی و… مورد گفتمان‌سازی و مطالبه قرار گرفت، آنگاه مسئولین حتی اگر نخواهند مجبورند به اقتضانات آن عمل کنند، لذا به‌جای شکل‌گیری دوگانه تعامل سازنده با جهان/نگاه به درون، اختلاف‌سلیقه‌ها به برنامه‌های عینی مبتنی بر نحوه حل مسائل کشور بر اساس ظرفیت‌های درونی کاهش خواهد یافت. چنان‌که در جبهه مقابل ما اختلافات در روش‌ها و نه اصول است هم جمهوری‌خواهان و هم دموکرات‌ها به دنبال سرنگونی نظام اسلامی هستند منتها با روش متفاوت.

۸. مردمی کردن اقتصاد و حضور مستقیم متدینین و انقلابیون در اقتصاد، کشاورزی، صنعت و علم و فناوری: حل معضل اقتصاد تنها به‌وسیله دولت میسر نیست و به مردمی کردن اقتصاد منوط است. مثل جهاد سازندگی. سرمایه و مدیریت خود مردم می‌تواند معضلات را حل کند. اگر در کشور سر پایبندی و عدم پایبندی دولت‌ها به مواردی نظیر خودکفایی در کشاورزی و صنعت روبه‌رو هستیم، اگر مردم و به‌ویژه مردم متدین و انقلابی خود وارد این عرصه شوند، مسئله رفع خواهد شد.

